

کاهش اتکا به درآمدهای نفتی راهکاری برای کاهش مطالبات معوق بانکها

معوقه‌های بانکی و نفت: ارتباط شوم

دیدگاه دکتر پرویز عقیلی‌کرمانی، مدیر عامل بانک کارآفرین و عضو شورای سیاست‌گذاری ماهنامه «اقتصاد ایران»

دهند.

از طرفی، در طول این مدت، بسیاری افراد سرمایه خود را از کشور خارج و در بازارهای کشورهای خارجی سرمایه‌گذاری کردند. بنابراین آنچه مشاهده می‌شود این است که تسهیلات جدید - که از منابع بانک‌ها محسوب می‌شوند - به سمت بازارهای دیگر سرازیر و از جریان سپرده‌ها در سیستم بانکی کاسته شده و به این ترتیب، بانک‌ها با کسری منابع مواجه شده‌اند. تنها راه حل بانک‌ها، استقراض از بانک مرکزی بوده که به افزایش قابل توجه تسهیلات اعطایی، بی‌احتیاطی و بالاخره افزایش مطالبات معوق بانک‌ها انجامیده است. به جرأت می‌توان گفت پایه و اساس مشکلات که ظرف دو سال گذشته نمودار شده و فشار زیادی را به سیستم بانکی وارد کرده، کاهش نرخ سود تسهیلات بوده است. از سوی دیگر، دستوراتی که توسط مجلس و دولت برای اعطای تسهیلات ترجیحی به بنگاه‌های زودبازده، تسهیلات کوتاه‌مدت، کم مبلغ و همچنین در سفرهای استانی رییس جمهور محترم صادر شد، بانک‌ها را مجبور کرد تسهیلات فراوانی را به متقاضیان پرداخت کنند که از طرفی با کمبود منابع مواجه گشتند و از سوی دیگر، با وارد کردن نقدینگی به جامعه موجب افزایش تورم شدند.

افزایش تورم در جامعه‌ای نظیر ایران، چهره سرمایه‌گذاری را تغییر می‌دهد، به گونه‌ای که تسهیلات به جای آن که در سرمایه‌گذاری‌های درازمدت و اشتغال‌زا مورد استفاده قرار گیرند، به سمت سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت یا به تعبیر مناسب‌تر «دلالی» سرازیر شوند. در این بین، باز هم تورم افزایش می‌یابد، حقوق بگیران و فقرا فقیرتر و ثروتمندان ثروتمندتر می‌شوند، فشار بر روی طبقه کم درآمد افزایش یافته و فساد فراگیر خواهد شد.

راه چاره

برای کاهش مطالبات معوق بانک‌ها می‌بایست متناسب با اصول صحیح اقتصاد و با استفاده از تجربه کشورهای پیشرفته، نرخ سود بانکی بر اساس نظام عرضه و تقاضا تعیین شود یا به عبارتی، نرخ سود بانکی آزاد باشد. حال اگر بتوان با برنامه‌ریزی دقیق و حساب شده، از کسری بودجه دولت و رشد نقدینگی جلوگیری کرد، به مرور زمان از نرخ سود بانکی کاسته شده و تعادل میان عرضه و تقاضا برقرار خواهد شد.

تعادل میان عرضه و تقاضا و پیاده‌سازی الگویی مناسب برای کاهش نرخ سود بانکی، موجب می‌شود نرخ سود تسهیلات در مدت زمانی چند ساله نرخ تک رقمی باشد و دیگر نیازی به سیاست‌های دستوری اعمال شده نباشد.

سیاست‌های اقتصادی زمان بر است و نمی‌توان همه چیز را به یکباره و دستوری به دست آورد. عواقب تصمیم‌های یک شبه و بخشنامه‌ای می‌تواند صدمات جدی بر پیکره اقتصاد کشور وارد نماید.

در این میان، دولت نیز می‌بایست از اتکای خود به درآمدهای نفتی کاسته و نفت را یک «ثروت» قلمداد کند تا یک «درآمد» ■



هر چند در نگاه اول نمی‌توان رابطه‌ای بین مطالبات معوق بانک‌ها و اتکای دولت به درآمدهای نفتی تصور نمود، ولی با کمی تعمق ملاحظه می‌گردد که ریشه خیلی از مشکلات کشور و دولت‌ها همین درآمد سرشار نفت است که در اختیار دولت‌ها بوده و هست. وجود این درآمد سبب شده که انتظارات مردم از دولت‌ها بیش از قدرت واقعی و حتی بالقوه آنها باشد. از طرف دیگر، هر سیاستمداری که خارج از گود است فکر می‌کند اگر قدرت را به دست گیرد، چون صالح است و دست اندرکاران قبلی صالح نبوده‌اند، شخص ایشان می‌تواند معجزه کند. بدیهی است که چنین اتفاقی در کشور خودمان نیفتاده و نخواهد افتاد، همچنان که در سایر کشورها هم چنین نبوده و نشده است.

دولت بدون درآمد نفت کوچکتر است، به سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاران ارجحیت می‌دهد، برای علم و تجربه دیگران ارزش قایل است، واقع بینانه‌تر عمل می‌کند، یک شبه نمی‌خواهد مشکلات را برطرف نماید، اشتباهات خود را نمی‌تواند با درآمد نفت مخفی نماید و امثالهم.

۱۸/۵ درصد مقابل ۸۰ درصد

آمار منتشره از سوی بانک مرکزی نشان می‌دهد مطالبات معوق بانک‌ها در طول دو سال گذشته افزایش قابل توجهی داشته است. بررسی علل افزایش مطالبات معوق بانک‌ها حاکی از آن است که کاهش نرخ سود بانکی به شیوه فعلی، بیشترین تأثیر را بر افزایش مطالبات معوق داشته است. در حال حاضر نرخ سود بازار بالغ بر پنج درصد برآورده می‌شود که با ترکیب نرخ پنج درصد در ماه، به رقم ۸۰ درصدی نرخ سود بازار در سال دست می‌یابیم. مقایسه نرخ سود بانکی (۱۲ درصد برای بانک‌های دولتی و ۱۳ درصد برای بانک‌های خصوصی) و نرخ سود بازار نشان می‌دهد چنانچه گیرندگان، تسهیلات بانکی را با نرخ سود میانگین ۱۲/۵ درصد دریافت کنند حاضر به پرداخت ۶ درصد جریمه دیرکرد نیز می‌شوند. از این رو، نرخ سود تسهیلات آنها در نهایت به ۱۸/۵ درصد افزایش خواهد یافت.

بنابراین باز هم شاهد اختلاف فاحش بین نرخ سود بانکی (۱۸/۵ درصد) و نرخ سود بازار (۸۰ درصد) خواهیم بود. حال اگر فرض کنیم بانک‌ها در پرداخت تسهیلات، نرخ سود مشارکتی را با در نظر گرفتن نرخ سود مشارکتی ۲۴ یا ۲۵ درصد به علاوه شش درصد جریمه دیرکرد انتخاب کنند، در آخر باز هم نرخ سود تسهیلات از ۳۰ درصد تجاوز نمی‌کند و تفاوت آشکاری با نرخ سود بازار دارد. با توجه به نرخ بهره بازار که به مراتب از نرخ سود بانکی به علاوه جریمه آن بالاتر است، تسهیلات گیرندگانی هم که توانایی بازپرداخت پول را دارند ترجیح می‌دهند تسهیلات دریافتی را بازپرداخت نمایند، یا به بازار وارد کنند تا از این راه منفعت کلانی را در مدت زمانی اندک از آن خود نمایند.

از سوی دیگر، با توجه به کاهش نرخ سودی که بانک‌ها مجبور به پرداخت آن بودند، حرکت سپرده‌ها در سیستم بانکی کاهش یافته است. عدم همخوانی نرخ سود سپرده‌ها و نرخ تورم در کشور موجب شده تا مردم به جای آن که سپرده‌های خود را به سیستم بانکی وارد نمایند، به سمت بازار سکه، زمین و ساختمان سوق